

# فریاد اصلاحات در سال ۸۱

(ص ۳)

۸ ساعت گفتگو با سلطانعلی کشمند  
نخست وزیر دولت دمکراتیک افغانستان

مصالحه ملی افغانستان  
با حضور یک حزب چپ‌گرا

(ص ۱۹)

سازمان اقتصاد  
اسلامی  
ستاد

شستشوی  
پول سیاه!

(ص ۱۶)

سپاه پاسداران  
سینماها را فتح کرد

(ص ۶)

بازار تهران  
از مسجد شاه  
تافرو دگاه‌دوبی

(ص ۷)

رهبر و زمره  
احیای سلطنت

(ص ۱۴)

رهبران کردهای  
عراق در انگلستان

(ص ۱۷)

"شعبان جعفری"  
قهرمان اوباش  
شاهنشاهی

(ص ۱۰)

شورش علییه  
آرمانخواهان

(ص ۱۲)

وحدت ملی، بعنوان یک ضرورت حیاتی برای استقلال ایران

با حضور توطئه‌گران و طرد شدگان مردم در حاکمیت بدست نمی‌آید!

## وحدت ملی، یگانه سلاح دفع خطر حمله نظامی

تمامی شواهد و قرائن حکایت از زمینه سازی امریکا برای دخالت مستقیم در امور داخلی ایران دارد. بسیار محتمل است که این دخالت، همزمان شود با بمباران بخش‌هایی از تاسیسات نظامی و مناطقی در خاک ایران. تلفات و خساراتی که از این طریق بر میهن‌ما وارد خواهد آمد، هرگز قابل پیش‌بینی نیست، اما آنچه مسلم است، این دخالت مستقیم استقلال سیاسی و جغرافیائی ایران را دگرگون ساخته و ایران را به حیات خلوت اسرائیل و امریکا در منطقه تبدیل خواهد کرد.

اظهارات مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری امریکا "رایس"، که آخرین نظرات امریکا در ارتباط با ایران است، با صراحتی بیش از هر زمان دیگری، بر همین نکته تکیه دارد. برخی مطبوعات امریکا (از جمله روزنامه زنجیره‌ای "نایت ریدر") در توضیح نظرات مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری امریکا، صریحا می‌نویسند که خطر عمده برای اسرائیل و امریکا در منطقه خاورمیانه، ایران است و به این ترتیب، این تشریفات به گونه‌ای مسئله حمله نظامی به ایران و عراق را مطرح می‌کنند که گوئی امریکا بر سر دو راهی انتخاب ایران و یا عراق برای حمله نظامی قرار دارد. (برای آگاهی از این نقطه نظرات می‌توانید مراجعه کنید به سایت اینترنتی "PYKNET" که در روزهای اخیر، این اخبار در آنجا منتشر شده‌است)

از قول برخی محافل گرداننده واقعی افغانستان کنونی نقل می‌شود که «امریکا دفتر مذاکره با جمهوری اسلامی را بسته‌است». از قول محافل دیگری نقل می‌شود که وزیر خارجه سابق امریکا "مادلن اولبرایت" که قرار است در انتخابات آینده ریاست جمهوری در جمهوری چک، جانشین "هاول" رئیس جمهور کنونی این جمهوری شود، در آخرین اظهارنظرانش بصورتی دیپلماتیک به برخی ایرانیان مشتاق مذاکره و دیدار با وی، همین نظر، یعنی بسته شدن دفتر مذاکره با جمهوری اسلامی توسط کاخ سفید را مطرح کرده‌است. در ادامه همین اخبار، گفته می‌شود اسرائیل با پذیرش این شرط ارتش خود را از شهرهای فلسطینی عقب کشیده‌است که حمله نظامی به ایران و بمباران تاسیسات نظامی و نیروگاه‌های اتمی ایران در دستور کار کاخ سفید قرار گیرد. حتی گفته می‌شود، پس از خلع سلاح کامل حزب‌الله و جنبش حماس در فلسطین و ضربات سنگینی که به تشکیلات این دو سازمان وارد آمده‌است، دولت اسرائیل در کنفرانس بین‌المللی که قرار است برای حل مسئله فلسطین تشکیل شود به این شرط که ایران مورد حمله نظامی قرار گیرد امتیازهایی به فلسطینیان خواهد داد و از اصرار برای بمباران عراق که واکنش‌های تند کشورهای عربی را می‌تواند بدنبال داشته باشد موقتا دست خواهد کشید. آیا کشورهای عربی، در برابر احتمال حمله نظامی به ایران همان واکنشی را از خود نشان خواهند داد که در برابر حمله نظامی به عراق ممکن است نشان دهند؟ پاسخ این پرسش، همان نکته محوری است که نتایج کنفرانس پیشنهادی امریکا برای حل مسئله فلسطین بدان بستگی دارد. (بقیه را در ص ۲ بخوانید)

## (بقیه وحدت ملی، یگانه از ص اول)

همزمان با این رویدادها و احتمالا، امریکا با سرعتی کم سابقه به تقویت نیروهای نظامی خود در جمهوری‌های آسیای میانه پرداخته است و در کشور یمن بزرگترین تاسیسات نظامی را برپا داشته و مقدمات آغاز به کار یک شبکه پر قدرت تلویزیونی بزبان‌های فارسی و عربی (با گویش‌های محلی در خوزستان) را در یکی از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس فراهم ساخته است. از بحرین و قطر بعنوان مقر این شبکه تلویزیونی نام برده می‌شود. سرپرست این تلویزیون که به تقلید از سی‌ان‌ان و تلویزیون الجزیره برنامه‌های آن تهیه خواهد شد با یک امریکائی است که تاکنون نام وی "فرینکس" اعلام شده است.

آیا با فراهم آمدن همه این مقدمات و مواضعی که امریکا اعلام کرده است، سرنوشتی محتوم در انتظار ایران است؟ به این سؤال دو گونه پاسخ داده می‌شود:

۱- آنها که هیچ شانس در جلب حمایت مردم ندارند و به منفورترین جناح حکومتی در نظام جمهوری اسلامی

تبدیل شده‌اند، راه حل جلوگیری از این حمله و چاره بقای خویش در حاکمیت جمهوری اسلامی را در زدوبند پنهان و مذاکرات مخفی با مقامات کاخ سفید می‌بینند. امری که در هفته‌های اخیر اخبار و اطلاعات آن به یمن وجود یک جنبش عمومی در ایران و حضور طرفداران اصلاحات در حاکمیت به مطبوعات راه یافت و در وسائل ارتباط جمعی خارج از کشور - چه صوتی و چه اینترنتی و چه مکتوب - منتشر شد. آنها که چاره را در این مناسبات دیده بودند، علیرغم امتیازاتی که حاضر بودند به امریکا بدهند با شکست روبرو شدند و اکنون در این اندیشه‌اند که با جلوگیری از افشای اخبار در مطبوعات یکبار دیگر بخت خود را در این زمینه بیازمایند!

۲- گروه دوم نیروهائی در درون حاکمیت هستند که معتقدند حتی اگر مذاکره و گفتگو با امریکا ضرورت داشته باشد و در نتیجه آن بتوان استقلال کشور را حفظ کرد و سد راه ماجراجویی نظامی علیه ایران شود، بهتر است این امر بصورت آشکار و از سوی دولتی انجام شود که منتخب مردم است و مردم به آن اعتماد دارند، نه کسانی که طرد شده مردم‌اند و از مذاکرات پنهان دفاع می‌کنند و از این مذاکرات حمایت امریکا را از باقی ماندن خویش بر سر حکومت می‌خواهند.

این دو جریان شناخته شده در جمهوری اسلامی است، که مردم کسانی را هم بعنوان رهبران و هدایت کنندگان این دو طرز اندیشه و کار می‌شناسند.

### خط سوم

حتی با این فرض که طرفداران مذاکرات غیر علنی با امریکا، در عین کوشش برای جلب حمایت امریکا از بقای آنها در حاکمیت، همان اندیشه و هدفی را دنبال می‌کنند که گروه دوم با دیپلماسی آشکار در جستجوی آنست، یعنی خنثی سازی توطئه حمله نظامی به ایران، سادگی است اگر جریان سومی در این میان دیده نشود که اتفاقا نقش تعیین کننده را نیز برعهده دارد.

این جریان سوم، در دل گروه اول، خط دیگری را دنبال می‌کند که مستقیما زمینه ساز دخالت امریکا در امور ایران و فراهم ساز شرایط داخلی و خارجی برای این ماجراجویی است.

آنها، با بهره‌گیری از اهرم‌های حکومتی که در اختیار دارند و با حوادثی که می‌آفرینند، عملا به تبلیغات امریکا مبنی بر حل مشکلات ایران از طریق دخالت خارجی را تقویت می‌کنند و هر نوع روزنه امید مردم به اصلاحات از درون حاکمیت جمهوری اسلامی را کور می‌کنند. آنها مدافعان تقسیم مردم ایران به "خودی" و "غیرخودی"، طرفدار جلوگیری از هر نوع جابجائی اساسی در مقامات و ارگان‌های مهم تصمیم‌گیری، مروج تحریکات مذهبی، حمایت از سیاست بستن فضای سیاسی کشور و تحمیل ارتجاع فرهنگی به جامعه و غارت اقتصادی کشور و مردم، مدافع فلج سازی ارگان‌های انتخابی و بویژه مجلس و ... هستند. یعنی همان مجموعه سیاست‌هایی که روز به روز مواضع امریکا را در هر نوع ارتباط دیپلماتیک احتمالی با ایران تقویت می‌کند و در نهایت خود، زمینه داخلی را برای بی تفاوتی مردم در برابر تجاوز نظامی از یکسو و همراهی و یا بی تفاوتی افکار عمومی جهان را بدنبال می‌آورد.

این خط، حتی اگر مستقیم هم از امریکا و محافل پنهان آن، برای ادامه این سیاست دستور نگیرد، خود به خود مجری این سیاست امریکا در ایران است.

### یگانه سلاح

نه امکانات و ابزار نظامی ایران توان مقابله با تهاجم نظامی احتمالی به ایران را دارد و نه ظرفیت جامعه کنونی ایران آماده تحمل یک چنین حمله نظامی است. این درحالی است که خنثی سازی خطر حمله نظامی به ایران و دخالت مستقیم در امور داخلی کشور، پیش از آنکه نیازمند توپ و تانک و موشک باشد، نیازمند یک سیاست ملی و جلب حمایت وسیع مردم در اطراف این سیاست است. چنین سیاستی، از نظر حزب توده ایران چیزی نیست جز **"اتحاد ملی مردم ایران"** برای دفاع از استقلال کشور، حفظ آنچه که بعنوان دستاوردهای انقلاب ۵۷ باقی مانده است و گام برداشتن در راه تقویت روحیه ملی در کشور. این اتحاد ملی، در یک جبهه وسیع ملی برای دفاع از **"جمهوریت"** قابل تحقق است. این یگانه سلاحی است که می‌توان با آن به مقابله با هر نوع تهاجم و ماجراجویی نظامی علیه تمامیت ارضی کشور و دخالت در امور داخلی ایران برخاست.

### این اتحاد و تشکیل چنین جبهه‌ای ممکن و عملی است؟

اینکه تا کدام مرحله می‌توان در این مسیر پیش رفت و به چه نتایجی رسید، از هم اکنون قابل پیش‌بینی دقیق نیست، اما این عدم پیش‌بینی هرگز نمی‌تواند به معنای انفعال در برابر ضرورت تشکیل و دفاع از آن باشد. به همین دلیل، با قاطعیت باید از این اتحاد و این جبهه دفاع کرد و موانع موجود بر سر راه آن را برداشت. این موانع، در درجه اول همان خط سومی است که عملکرد آن در جهت سیاست‌های استراتژیک امریکا در ایران است. اگر نخستین گام برای مقابله با این جبهه، رسوا سازی و افشای عملکرد آنست، حتی یک لحظه در این راه نباید درنگ کرد. با حذف این جریان سوم، حتی زمینه برای پیوستن بخش‌هایی از گروه اول به گروه دوم می‌تواند فراهم آید و جبهه مورد نظر در وسیع‌ترین شکل خود تشکیل شود.

اتحاد رمز مقابله با تهاجم خارجی است، اما تحقق آن در گرو حذف آن جریانی در حاکمیت است، که بیش از ۲۰ سال است در برابر خواست و اراده مردم ایستاده و علیه آن توطئه کرده و می‌کند.